

در روزهای پس از بروز یک حادثه، کودکان به حمایت و مراقبت بیشتری نیاز دارند. ممکن است خیلی بترسند و فشار زیادی به آنها وارد شده باشد.

آتش بازی هایی که رکورد زدند

طولانی ترین جشن آتش بازی در جهان به نام هنگ کنگ ثبت شده؛ به سال ۱۹۹۶. آتش بازی ای که بیش از ۲۲ ساعت طول کشید. فلیپین هم رکورد بین المللی در زمینه آتش بازی را به نام خود ثبت کرده است؛ انفجار گروهی مواد آتش بازی در عرض کمتر از ۳۰ ثانیه. اگر چه بزرگترین ترفه آتش بازی ساخته شده تا به حال در ژاپن به قطر ۱۲۰ سانتی متر و وزن ۴۶۰ کیلو متر بوده است.

گمشده های چهارشنبه سوری در کوچه پس کوچه های شهر

فقط آتش بازی اش مانده است

شهروند | چهارشنبه سوری، جشنی است که از آن می توان به عنوان نخستین جشن سال نو نام برد، تا نمادی باشد برای خداحافظی با سال کهنه و دردها و رنج های امید به سالی نو و پر از خیر و برکت و خوشی. چهارشنبه سوری یا چهارشنبه سوری چندصدسال است که به فراخور رسوم هر شهر در این مرزوبوم برگزار می شود؛ آیین هایی که هر کدام از باوری کهن روایت دارند؛ آدابی مثل فالگوش نشینی، کوزه شکنی، قاشق زنی، شال اندازی و بخت گشایی. در گفتن از ریشه های چهارشنبه سوری روایت های مختلفی وجود دارد؛ بعضی این جشن را یادگار گذر سیاوش از آتش برای اثبات بی گناهی اش می دانند. این مراسم عبور از آتش که بعدها به جشن و پریدن از روی آتش تبدیل شد، معروف به «وریا، ورنکه» یعنی آزمایش ایزدی بوده و عده ای هم آن را به ورود اعراب به ایران پیوند می زنند و می گویند چون اعراب چهارشنبه را نحس می دانستند و در مقابل ایرانیان بر این باور بودند که روشن کردن آتش بدی ها، بیماری و فقر و زشتی ها را محو می کند، به همین دلیل جشن سوری پایان سال را به شب آخرین چهارشنبه منتقل کردند تا با طلیعه سال نو، خوش و خرم و شاد کام شوند.



در گوشه و کنار ایران برگزار می شود. گره گشایی کسانی که بخت ایشان گره خورده و عقده ای در کارشان وجود دارد شب چهارشنبه سوری گوشه دستمال یا چارقدی یا گوشه دیگر از جامه خود یا پارچه ای را گره می زنند و بر سر راهی می ایستادند و از اولین کسی که می گذشت می خواستند گره را باز کنند.



آداب چهارشنبه سوری

چهارشنبه آخر سال آداب و آیین خاص به خود را دارد که در شهرهای مختلف با کمی تغییرات اجرایی می شود اما یک سری آداب در این شب وجود دارد که در اغلب شهرها یکسان است و شاید با کمی تغییرات جزئی اجرایی شود.

آجیل و قصه خار کن

زنانی که نذر و نیازی می کردند در شب چهارشنبه آخر سال آجیل هفت مغز به نام «آجیل چهارشنبه سوری» از دکان رو به قبله می خریدند و پاک می کردند و میان خویش و آشنا پخش می کردند و می خوردند. به هنگام پاک کردن آجیل قصه مخصوص آجیل چهارشنبه معروف به قصه خار کن را نقل می کردند. امروزه آجیل چهارشنبه سوری جنبه نذرانه اش را از دست داده و از تقالط شب چهارشنبه سوری شده است.

فال گوش نشینی

زنان و دخترانی که دوست دارند ازدواج کنند یا آرزوی زیارت و مسافرت دارند، غروب شب چهارشنبه نیت می کنند و از خانه بیرون می روند و در سر گذر یا سر چهارسو می ایستند و گوش به صحبت رهگذران می سپارند و به نیک و بد گفتن و تلخ و شیرین صحبت کردن رهگذران تقال می زنند. اگر سخنان دلنشین و شاد از رهگذران بشنوند، بر آمدن حاجت و آرزوی خود را بر آورده می بندارند ولی اگر سخنان تلخ بشنوند، رسیدن به مراد و آرزو را در سال نومکن نخواهند دانست.

قاشق زنی

زنان و دختران آرزومند و حاجت دار قاشقی با کاسه ای مسی برمی دارند و شب هنگام در کوچه و گذر راه می افتند و در برابر هفت خانه می ایستند و بی آنکه حرفی بزنند، بی دربی قاشق را بر کاسه می زنند. صاحبخانه که می داند قاشق زنان نذر و حاجتی دارند، نذر، شیرینی یا آجیل، برنج یا بانش و یا مبلغی پول در کاسه های آنان می گذارد. اگر قاشق زنان در قاشق زنی چیزی به دست نیاورند، از بر آمدن آرزو و حاجت خود ناامید خواهند شد. گاه مردان به ویژه جوانان، چادری بر سر می اندازند و برای خوشمزگی و تمسخر برای قاشق زنی به در خانه های دوست و آشنا و نامزدان خود می روند.

آش چهارشنبه سوری

خانواده هایی که بیمار یا حاجتی داشتند برای بر آمدن حاجت و بهبود یافتن بیمارشان نذر می کردند و در شب چهارشنبه آخر سال «آش ابودردا» یا «آش بیمار» می پختند و آن را اندکی به بیمار می خوراندند و بقیه را هم در میان فقر پخش می کردند.

کوزه شکنی

مردم پس از آتش افروزی مقداری زغال به نشانه سیاه بختی، کمی نمک به علامت شورچشمی و یک سکه دهشاهی به نشانه تنگدستی در کوزه ای سفالین می اندازند و هر یک از افراد خانواده یک بار کوزه را دور سر خود می چرخاند و آخرین نفر کوزه را بر سر بام خانه می برد و آن را به کوچه برتاب می کند و می گوید: «در د و بلای خانه را ریختم به توی کوچه» و باور دارند که با دور افکندن کوزه، تیر بختی، شوربختی و تنگدستی را از خانه و خانواده دور می کنند.

آتش افروزی

آتش افروزی هم یکی دیگر از آدابی است که در شب چهارشنبه سوری برگزار می شود و با وجود گذشت قرن ها از قدمت آن هنوز پابرجاست و برعکس بعضی از آیین این شب که به فراموشی سپرده شده اند، هنوز

از خانه بیرون می روند، تا بختشان در سال جدید باز شود، همچنین مردم این شهر در این شب بیشتر آشکنه می خورند. مراسم قاشق زنی و شب نشینی و دورهمی و آجیل خوردن و قصه گویی در قزوین همچنان به عنوان آیین ویژه چهارشنبه سوری اجرایی می شود.

کردستان

چوارشسه مه کوله یا چهارشنبه سوری به گفته کارشناسان مردم شناس ۵۰-۴۰ ساله است که در میان کردها به تبعیت از فرهنگ ایرانی برگزار می شود. در کردستان سه شنبه آخر سال اگر هوا مساعد باشد، مردم دسته دسته به دشت می روند، البته زنان قیچی ای یا خود می برند تا با زدن چند تار مو از سر فرزندان شان درد و ناراحتی را از آنها دور کنند. آنها در برگشت به خانه تعدادی سنگ ریزه (معمولا چهار عدد) جمع کرده و در حال حرکت از روی شانه شان به پشت بام پرت می کنند. عوض کردن بعضی لباس ها در کنار چشمه و شستن دست و صورت در آن هم یکی دیگر از رسوم این دیار است. در روستاهای شهرستان بیجار کمی اسپند به آتش اضافه می کنند و در سندر جارویی چهارشنبه سوری دیده می شود، می گذارند که بعد از سوختن جارو، کوزه را جلوی در منزل می شکنند، تا نحسی سال گذشته با کوزه شکسته برود. رقص کردی (هه لیه ر کی) هم بخش جدانشدنی از آیین های کردهاست و در مراسم چهارشنبه سوری جایگاه خاص خود را دارد.

سیستان و بلوچستان

در این شب مردم گونی، پتو و نمک کهنه را به صورت گلوله درمی آورند و آن را در غروب آخرین چهارشنبه سال آتش می زنند تا نحسی ها از بین بروند. در گذشته در این شهر مردم از صحرابونه های خشک و خار می آوردند و در میدان بزرگ شهر یا روستا جمع می کردند و هنگام غروب که همه مردم روستا جمع می شدند بریدن از روی آتش به شکل مسابقه برگزار می شد.

یزد

چهارشنبه سوری یا چهارشنبه سوری یکی از رسوم مشهوری است که در شهرهای مختلف با آیین خاص خود برگزار می شود. بزدی ها در این مراسم در محوطه های باز هیزم جمع و با غروب خورشید آتش روشن می کنند و شعر «سرخ تو به رویم، زردیت به چون دشمنونم» را می خوانند. بزدی ها باور دارند با آیین کار ناخوشی ها را دور ریخته و به سوی سلامتی و تندرستی حرکت می کنند. البته بزدی ها خاکستر آتش را دور نمی ریزند یکی دیگر از آداب این شب در یزد مراسم «کلوخک» است به این شکل که رسم است که سب زمینی های کوچک را زیر آتش می کنند و با شلادی و خواندن ترانه سب زمینی های پخته شده را می خورند، اگر چه این مراسم کمتر در حال حاضر برگزار می شود.

چهارشنبه آخر سال در شهرهای مختلف

ایران هم مثل ملل کهن دیگر آداب و رسوم و سنت های مختص خود دارد که هر کدام ریشه در قصه های کهن دارند و جریایش را می توان در بطن آنها یافت. یکی از این رسوم چهارشنبه آخر سال است که در شهرهای مختلف ایران اجرایی می شود؛ جشنی که در هر شهر رنگ بوی باورهای آن شهر را به خود می گیرد. در این بخش آداب شهرهای مختلف را در چهارشنبه آخر سال می خوانیم.

آذربایجان

آذربایجان در گذشته های دور در اسفندماه چهار، چهارشنبه را جشن می گرفتند که در حال حاضر از آنها تنها چهارشنبه آخر سال باقی مانده است. «چیله قووان» چهارشنبه هفته اول - هفته ای که چله زمستان را فراری می دهد - «کوله چارشنبه» چهارشنبه هفته دوم اسفند، «هوشتولوقچی چارشنبه» چهارشنبه هفته سوم و «خیر چارشنبه» چهارشنبه آخر سال. چهار چارشنبه ای که به نوعی با رنگ های طبیعت مرتبط بودند؛ رنگ های سفید، خاکستری، سیاه و سرخ، البته از میان همه این مراسم تنها آیین گسترده چهارشنبه آخر سال به عنوان یکی از رسوم نوروزی هنوز با حال و هوای قبلی برگزار می شود، اگر چه فرستادن خنجه ای از هدا یا برای نوعر و سان هم در میان آداب متداول چهارشنبه سوری دیده می شود، همان طور که هنوز (شال سالاماق) - شال اندازی به چشم می خورد؛ جوانان بر بام خویشان و همسایگان رفته و دستمالی را از پنجره به درون آویزان می کنند و صاحبخانه تعدادی گردو، بادام یا تخم مرغ رنگ کرده به دستمال می بندد و می گوید: «چک الله، مطلبین و ترسین» (ان شاء الله به آرزوی خود می رسی).

زنجان

مراسم چهارشنبه سوری در زنجان با آتش افروختن، فالگوشی و کوزه شکستن معمول است. رسم اختصاصی کوزه شکستن مردم زنجان این است که پولی با آب در کوزه و از بسام به زیر می اندازند. از دیگر خصوصیات مردم زنجان این است که دخترانی را به آبنبار می برند و هفت گره بر جامه ایشان می زنند و پسران نابالغ باید آن هفت گره را بکشایند. یکی از آداب دیگر مردم زنجان این است که از روزنه بخاری ها یا اجاق های خانه طنابی داخل اتاق و به وسیله آن طناب چیزی طلب می کنند. صاحب اتاق مکلف است نخستین چیزی که در دسترس او بود، بر طناب بیند و چون طناب را بالا کشیدند، به وسیله آن چیزی که بر طناب بسته اند، فال می گیرند، مثلا اگر جارویی بر طناب بسته باشند، از آن فال بد می گیرند که خانه خراب خواهد شد و خانه ایشان را جاروب خواهند کرد و اگر پاره نانی ببینند، فال نیک می گیرند که وفور نعمت خواهد بود و اگر شیرینی بر طناب بیندند، نشانه شیرین کامی است.

اصفهان و قزوین

در اصفهان و قزوین افروختن آتش در معابر، کوزه شکستن، فال گوشی، گره گشایی و غیره کاملا متداول است. قزوینی ها در این شب دختران دم بخت را جاو

چهارشنبه آخر سال در شهرهای مختلف

ایران هم مثل ملل کهن دیگر آداب و رسوم و سنت های مختص خود دارد که هر کدام ریشه در قصه های کهن دارند و جریایش را می توان در بطن آنها یافت. یکی از این رسوم چهارشنبه آخر سال است که در شهرهای مختلف ایران اجرایی می شود؛ جشنی که در هر شهر رنگ بوی باورهای آن شهر را به خود می گیرد. در این بخش آداب شهرهای مختلف را در چهارشنبه آخر سال می خوانیم.

گیلان

گیلان هم مانند شهرهای دیگر سه شنبه آخر سال را با آیین های خاص خود بر می کند. گیلائی ها برای چهارشنبه آخر سال حتما اسپند، کندر، گلاب و شمع می خرند، چون یکی از آیین ها روشن کردن اسپند و کندر و زدن گلاب به صورت و روشن کردن شمع برای روشنایی است. یکی از باورهای مرتبط به مراسم چهارشنبه آخر سال در گیلان این است که خاکستر آتش افروزی ها را صبح پای درختان می ریزند تا بارور شوند و هر کسی قصد زیارت داشته باشد، صبح از خانه خارج می شود. کوزه شکستن هم یکی از رسوم مربوط به این شب است که در بیشتر شهرها عمومیت دارد؛ آن هم به نیت دفع بلا. یکی از رسوم این شب آن هم دم غروب این است که دختران دم بخت را با جارو از خانه بیرون می کنند، با این امید که سال آینده ازدواج کنند.

ماسال

شهرهای شمالی دیگر هم با اجرا کردن همه رسوم، آداب خاص خود را به جا می آورند، به عنوان مثال مردم ماسال شب چهارشنبه سوری به طرف قبله در گوشه ای پشت ته های کاه می گذارند و هنگام غروب آتش می زنند، سپس از روی آتش می پرند و می گویند «کولی کولی چارشنبه» همه مردم آن شب شادی کرده و عده ای با تفنگ شلیک می کنند و بعد در کنار سفره شام جمع می شوند، سفره ای که باید هفت نوع خورش و خوردنی داشته باشد.

رودبار

رودباری ها هم سه تا هفت کپه کاه می گذارند و آتش می زنند و از آتش سرخ روی می خواهند، البته در بندرتزلی مردم زمانی که از روی آتش می پرند، می گویند: «گول گول چارشنبه» حق چارشنبه تکبت بشه، شوکت بیه، زردی بنه، سرخی بیه» در آستارا و دیلمان هم بریدن از روی آتش و خواندن اشعار دیده می شود.

مازندران

یکی از قدیمی ترین و باارزترین رسوم مازندرانی ها برای چهارشنبه آخر سال پختن آش چهل گیاه است که از گیاهان خشک شده قدیمی و بعضی گیاهان جدید پخت می شود، البته آش ترش هم به نشانه نزار از سرما پخت